

الیکارشی

پیشرفت پر امن و صلح
و شرف نام مبارک است
پیشرفت

پیا

خاندانهای حکومتگرایان

- ۸ -

خاندان فیروز

بهترین طرحها در ایران اگر اندک معارضه با
منفعت فلان وزیر متنفذ سیاسی داشته
باشد از بین می‌رود .

ژنرال تره‌زل

سالار لشکر (عباس میرزا فیروز)

دومین پسر فرمانفر سالار لشکر (عباس میرزا فیروز) و یا بقولی
عباس میرزا فرمانفرمایان است که مادرش عزت الدوله قاجار دختر مظفر الدین
شاه عمه محمد علی‌شاه است و بسال ۱۲۶۵ هـ ق متولد میگردد سالار لشکر
از نوجوانی همراه پدر در بعضی مأموریتها شرکت میجوید چنانچه در نخست
استانداری کرمانشاه همراه پدر دیده میشود وی از کوشندگان تصویب و
اجرای قرار داد ۱۹۱۹ بود و در این کابینه بحکومت کرمانشاه می‌رود و
در آنجا با زور و تهدید برادرش نصرت الدوله را از صندوق انتخابات بیرون
می‌آورد بمجلس چهارم میفرستد (۱) به‌همراه مهاجران راه غرب را پیش‌می-
گیرد .

در کابینه پیش از کودتای ۱۲۹۹ که برادرش در لندن زمینه سازی

۱ - تاریخ اداری و اجتماعی قاجاریه جلد ۲ صفحه ۶۳

- یادداشت‌های تره‌زل فرانسوی صفحه ۶۳

حکمرانی مطلق ایران میکرد وی بعنوان مراقب اوضاع در کابینه سپهدار اعظم (فتح اله اکبر) شرکت می جوید نخست عهده دار وزارت فواید عامه و سپس وزیر عدلیه می شود .

بهترین مأموریت وی که بدان اشاره شد همکاری با کمیته مهاجرت است که به عنوان اعتراض به بیطرفی و اشتغال نظامی ایران از طرف بیگانگان و دخالت در اوضاع کشور در کنار نظام السلطنه (رضائلی مافی) پدرزن خود و رجال نیکنام و آزادیخواهان سرشناس چون مدرس و سلیمان میرزا تهران را ترک می کند بیاخر ایران می رود دولت مهاجرت در کرمانشاه به نخست وزیری نظام السلطنه تشکیل می گردد ، سالارشکر در این دولت عهده دار ریاست ستاد ارتش دولت ایکس می شود .

در نقش آزادیخواهی

هر چند اسنادیکه در اینمورد بدست آمده است قراردادیکه نظام السلطنه با گنت گانتینتزر نماینده دولت ایران بسته است نشان می دهد صرف نظر از تمایلات خارجی بیشتر فعالیت ایندسته بر محور منافع شخصی نظام السلطنه بوده است و افرادی مثل مدرس از آن آگاهی نداشته اند ولی خبریکه مایه شکفتی بوده بار دیگر پرده از روی خیانت یکی از افراد خاندان فیروز بر میدارد نقش جاسوس مآبانه سالارشکر است .

در آغاز کار بیشتر فکر می کردند پسر بزرگ فرمانفرما از پدر جدا شده است درست در برابر وی که خود را حافظ منافع انگلیسها نشان می داد جبهه ضد استعمار سیاه درست کرده است .

بعدها معلوم شد وی از طرف پدر و انگلیسها مأمور بوده است در کسوت آزادی خواهی و در کنار آنکلو فولها به اخلاص و ایجاد نفاق و شایعه سازی خراب کاری و جاسوسی کند فرمانفرما پدر و رئیس دولت و دشمنان ملت را از نقشه های ملیون آگاه می سازد (۱) بهتر است در اینجا رشته کلام را بدست اعظام الوزاره) بدهیم و از خاطرات ارزنده او در معرفی سالارشکر استفاده کنیم : (در کرمانشاه دستجات اختلاف نظر پیدا کرده اند بعضی با مهاجرین همراه و برخی هواخواه نظریات فرمانفرما میباشند حتی مراجعت بطهران را حاضر

و گفتگو می‌شود علت این فکر هم بواسطه بودن سالار لشکر پسر فرمانفرما و داماد نظام السلطنه است که خود را جزء مهاجرین قرار داده است شب و روز هم با نظام السلطنه هم منزل می‌باشد و چون همه گونه وسایل و پول برایشان فراهم است میتواند همه روز اخبار مذاکرات و نظریات و تصمیمات مهاجرین را بیدرش داده و دستورات لازم مخصوصاً اختلاف انداختن بین نفرات مؤثر مهاجرین مخصوصاً در طبقه نظامی که با صورت وقت در فرونت‌ها عمل نمایند و این موضوعات هر کدام در موارد خود بثبوت رسیده است که همه تحریکات از همین جا سر چشمه گرفته و می‌گیرد (۱)

بر اثر این خیانت‌ها و ایجاد دو دستگی ملیون کاری از پیش نمی‌برند ولی خدمات سالار لشکر مورد توجه ارباب قرار می‌گیرد .

پس از عقد قرار داد ننگین ۱۹۱۹ بموجب ماده ۳

قرار داد باید تمام نیروهای اونیفورم نظامی و تأمیننی کشور منحل گردد ، ارتش نو بر اثر قرار داد تشکیل شود . اداره این ارتش و نیرو با افسران انگلیسی خواهد بود تا با دست دشمن دیرین ایران استقلال و آزادی و آرامش ما حفظ و تأمین گردد .

برای پیاده کردن این نقشه استعمار کمیسیوننی تشکیل می‌گردد که از طرف انگلیسها ژنرال سایکس ، کانل اسمایس ، دیکسن ... و از طرف افسران ایرانی (سالار لشکر و کلنل فضل‌الله خان آقاوولی) مامور این کار می‌شوند .

برای پی بردن بنحوه کار این کمیسیون کافیسست بدانیم یکی از تصمیمات این کمیسیون این بود که دولت ایران عده‌یی گروهیان از ارتش هنداستخدام کند . افسران ایرانی از سروان بیالاتر حق ترفیع ندادند افسر ارتش باید از انگلستان استخدام شود و اگر این نقشه پیاده میشد فاتحه استقلال ایران خوانده شده بود . افسران ایرانی همینکه از این تصمیمات آگاه می‌شوند بدان اعتراض میکنند .

در ساحت قانون نگذاری

سالار لشکر در کودتای ۱۲۹۹ به‌مراه پدر و برادر بازداشت‌میکرد و ولی پس از آزادی کارگذاری قدرتمندان را می‌پذیرد .

هر ادوار ۵ و ۶ و ۸ قانونگذاری بنمایندگی مجلس برگزیده میشود و در سال ۱۳۰۷-۱۳۰۸ نایب رئیس مجلس می‌گردد (۱) اندکی بعد بر اثر بیماری بدروود زندگی من گوید.

فرمانفرمائیان ، محمد ولی میرزا

سومین فرزند نامور فرمانفرما ، محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان فتووال و زمیندار بزرگ ایران و آذربایجان است (۲) شهر میانه را می‌توان پایگاه استعمار و بهره کشی اوشمرد .

از مختصات وی خدعه‌گری و پلنیک‌وزیرکی در کارهاست فرمانفرما در باره وی گفته است: (هر روز صبح شیطان از من تعلیم گرفته به اخلاص و فساد کار انسانها می‌پردازد ولی من خود شیطنت و شرارت را از محمد ولسی میرزا می‌آموزم) از کلمات قصار پدر در حق این پسر است : (در شهریکه محمد ولی میرزا زیست کند شیطان همه افسونهایش باطل است و بدان شهر گام نمی‌گذارد)

خواهرزن (گرزن)

کار اداری وی از اشتغال در سازمان مالی شروع می‌شود و قصد فرمانفرما از این کار اعمال نفوذ در سازمان مالیات گیری بسود مستوفی در اینباره می‌نویسد: (فرمانفرما برای بدهی مالیات کار زیاد داشت) بنا بر این پسرش را به‌مهمترین وزارتخانه‌های کشور می‌فرستد .

اما بعداً وی با احراز سمت پیشکاری آذربایجان از این راه به پی ریزی بنای پولی و مالی خود می‌پردازد :

میرزاده هشتی درباره اومی گوید :

شهبازده فیروز همان ... خائن- با آن پوزچون جن ، هم سیغه گرزن بدو هم فکر ددر بود- دیدی چه خبر بود . خواهرزن گرزن محمد ولی میرزا است مطلب همه اینجاست چون موش مدام از پی دزدیدن زر بود دیدی چه خبر بود وی در دوره چهارم بمنظور کمک به مقام سیاسی خاندان خود و برادرش نصرت- الدوله نمایندگی برگزیده میشود . (ادامه دارد)

۱ - نمایندگان مجلس صفحه ۳۴۹

۲ - شرح زندگانی من ... جلد ۳ صفحه‌های ۴۲۲ و ۴۵۵